

Explaining the Role of Gender Inequality in Family Stability (case Study of Bandar Abbas Women)

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Mahbubeh Mehrabi^{1*}

How to cite this article

Mahbubeh Mehrabi, Explaining the Role of Gender Inequality in Family Stability (case Study of Bandar Abbas Women), Islamic Life Style. 2023; 7 (2) :75-84

1. Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mah_mehrabi@pnu.ac.ir

Article History

Received: 2023/03/31

Accepted: 2023/05/31

ABSTRACT

Purpose: The present research was conducted with the purpose of explaining the relationship between the type of gender inequality institutionalized in a person and the type of divorce.

Materials and methods: In this research, data were collected from 178 divorced women and 222 non-divorced women with emotional divorce in Bandar Abbas, using a survey method. Therefore, stratified random sampling proportional to the volume and simple random sampling was used for non-divorced women and chain sampling for divorced women. Questionnaire data was collected by interview and face validity was confirmed through literature review and expert judgment and structural validity with Cronbach's alpha.

Findings: The findings showed that 40.5 percent of women have high emotional divorce and 59.5 percent of them have moderate emotional divorce; The results of descriptive statistics indicate that 33% of divorced women have a traditional view and 56% of them have a modern view of gender inequality in society. Also, 67% of women with emotional divorce have a traditional view of gender inequality in society, and 44% of them have a modern view. Also, the results obtained from the chi-square test showed that there is a significant relationship between the type of women's perspective on gender inequality (21.419) and the type of divorce, with 0.99 percent confidence and at an error level smaller than 0.01, and the intensity of the relationship They are 0.231.

Conclusion: According to the results of the Yeoman-Whitney test, people with emotional divorce have a more traditional view than women with legal divorce. This research suggests that in order to increase the stability of the family, gender justice should be institutionalized in all areas of the society so that the society can make the best use of the capacity of social forces.

Keywords: Traditional Gender Inequalities, Modern Gender Inequalities, Legal Divorce, Emotional Divorce.

تبیین نقش نابرابری جنسیتی در پایداری خانواده (مورد مطالعه زنان شهر بندرعباس)

محبوبه مهرابی*

گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: تحقیق حاضر با هدف تبیین ارتباط نوع نابرابری جنسیتی نهادینه شده در فرد با نوع طلاق صورت گرفته است.

مواد و روش ها: در این پژوهش، داده ها از ۱۷۸ زن مطلقه و ۲۲۲ زن غیرمطلقه دارای طلاق عاطفی بندرعباس و به روش پیمایشی جمع آوری شده است. از این رو از نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم و تصادفی ساده جهت زنان غیر مطلقه و نمونه گیری زنجیره ای جهت زنان مطلقه بهره گرفت. داده های پرسشنامه با مصاحبه جمع آوری و روایی صوری از طریق مرور ادبیات و قضاوت خبرگان و روایی سازه ای با آلفای کرونباخ تأیید شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد، ۴۰/۵ درصد از زنان، دارای طلاق عاطفی زیاد و ۵۹/۵ درصد از آنها، دارای طلاق عاطفی متوسط هستند؛ نتایج حاصل از آماره توصیفی حاکی از آن است که، ۳۳ درصد از زنان مطلقه، دارای دیدگاه سنتی و ۵۶ درصد از آنها دارای دیدگاه مدرن در نابرابری جنسیتی در جامعه هستند. همچنین دیدگاه ۶۷ درصد از زنان دارای طلاق عاطفی به نابرابری های جنسیتی در جامعه، سنتی و دیدگاه ۴۴ درصد از آنها، مدرن می باشد. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون کای اسکوئر، نشان داد بین نوع دیدگاه زنان در نابرابری جنسیتی (۲۱/۴۱۹) با نوع طلاق، با اطمینان ۰/۹۹ درصد و در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ رابطه معناداری وجود دارد و شدت رابطه آنها، ۰/۲۳۱ می باشد.

نتیجه گیری: باتوجه به نتایج آزمون یومن- وایتنی، افراد دارای طلاق عاطفی، از دیدگاه سنتی تری نسبت به زنان دارای طلاق قانونی برخوردارند. این پژوهش پیشنهاد می دهد جهت افزایش پایداری خانواده، عدالت جنسیتی در همه عرصه های جامعه نهادینه شود تا جامعه نیز از ظرفیت نیروهای اجتماعی بهترین بهره را ببرد.

واژگان کلیدی: نابرابری ها جنسیتی سنتی، نابرابری های جنسیتی مدرن، طلاق قانونی، طلاق عاطفی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

*نویسنده مسئول: mah_mehrabi@pnu.ac.ir

مقدمه

خانواده مهمترین سازمانی است که بسترساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی انسان و عامل رسیدن او به تعادل فیزیکی و روانی است؛ آشنایی با قوانین، نقشها و ارزشهای فرهنگی، نخست در خانواده صورت میگیرد (۱) و به عنوان اولین پایه گذار شخصیت، ارزشها و معیارهای فرد است و نقش مهمی در تعیین سبک و خط مشی زندگی آینده وی دارد (۲). با آنکه خانواده، نمایانگر هم آمیزی نیازهای طبیعی با سازه های اجتماعی است، اما سازه های اجتماعی، تأثیر تعیین کننده ای بر ویژگی های آن دارد (۳) یکی از مهمترین سازه های اجتماعی، جنسیت است.

جنسیت به عنوان یکی از اصول سازمان دهنده دنیای اجتماعی (۴)، به افراد، روابط اجتماعی و نهادها شکل و معنا می دهد (۴). بر این اساس، جنسیت به عنوان نظامی از عادات اجتماعی درک می شود که مردم را به گونه ای متفاوت شکل می دهد و روابط نابرابری را سازماندهی می کند؛ این عادات، علاوه بر عمل در سطح فردی، روابط اجتماعی و الگوهای کنش متقابلی را هم شکل داده و در سازمان ها و نهادها، از جمله خانواده، به کار گرفته می شود (۴).

بطور کلی، جهتگیریهای زنان و مردان جامعه در موقعیتهای تضاد منافع فردی و جمعی در امور زندگی روزانه، نحوه جایگیری آنها در موقعیت های نابرابر در جامعه و مناسبات درون خانواده را جامعه پذیری جنسیتی افراد، مشخص می کند؛ جامعه پذیری جنسیتی، زمینهساز ایجاد تمایزات و نابرابریهای جنسیتی میباشد (۵). هانت (۲۰۰۵) معتقد است، جنسیت، تفاوت زن و مرد در رفتارها و خصلت های اکسایبی است که با مؤنث و مذکر بودنشان مرتبط است و رفتارها و نقش های اکسایبی تعیین کننده مردانگی یا زنانگی، در فرهنگ های متنوع و زمان های مختلف، متفاوت است (۶).

نظریه پردازان جنسیت، معتقدند، گرایشها و هویت جنسیتی که در فرایند جامعه پذیری جنسیتی در خانواده، برای فرد، درونی شده و به فرزندان انتقال می یابد، باعث دائمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می شود (۷) به اعتقاد آنها، زنانی که در نظام سلطه پدرسالار رشد می یابند، موجوداتی به شدت متکی و با اعتماد به نفسی پایین بار می آیند؛ زیرا در این نوع جامعه، ارزش ها و ایدئولوژی های مردسالارانه به زن منتقل می شود و در نتیجه، زن، باور می کند که در خدمت مرد است (۸). در این جوامع، به موجب قانون تک همسری، شوهر، حق ویژه جنسی بر همسر خود و بر خدمات خانگی او دارد. این قانون، پدر را ملزم به فراهم آوردن معیشت زن و فرزندان خود می کند. در این سیستم، مرد فراهم کننده اصلی معیشت می گردد و پایگاه اصلی خانواده را اشغال می کند. نام خود را به آنها می دهد و شرایط زندگی را برحسب شغلی که به او داده شده و طبقه و وضعیت اجتماعی خود تعیین می کند (۳).

گذر جوامع از سنتی به مدرن، همواره با تحولات فرهنگی و اجتماعی وسیع و تأثیرپذیری نهاد خانواده از این تحولات همراه است (۹)؛ فرد در فرآیند مدرنیته به این آگاهی میرسد که در مسیر مدرنیته قرار گرفته و انتخاباتهای پرشماری پیش روی خود دارد و این موضوع نگرش وی را تغییر میدهد (۱۰)؛ در نتیجه، شیوه های

¹ - Social Factors

به ازدواج‌ها ۳۳ درصد است. سازمان ثبت احوال هرمزگان نیز، تعداد طلاق‌های ثبت شده در ۹ ماه اول سال ۱۳۹۸ را ۱۳۹۹ مورد گزارش نمود، که افزایش قابل توجهی نسبت به سالهای گذشته داشته است و در تأیید آن، سازمان ثبت احوال کشور اعلام کرد که در سال گذشته ۹/۲ درصد از طلاق‌ها فقط در دو استان بوشهر و هرمزگان ثبت شده است (۱۵).

علاوه بر طلاق قانونی، طلاق عاطفی نیز یکی از مراحل نیل به سوی طلاق قانونی است و تهدیدی جدی برای زندگی زناشویی است که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش میکشد (۱۶). به همان میزان که طلاق در زندگی خانوادگی رو به افزایش است، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامتی افراد جامعه را تهدید میکند. طلاق و فروپاشی زندگی، منجر به برهم خوردن تعادل روانی - عاطفی افراد خانواده میگردد و از آنجا که یک استرس بسیار شدید محسوب میشود، ابتلا به اختلالات روانی بخصوص در زنان، بسیار محتمل است (۱۷).

دامنه اضمحلال نهاد خانواده و مسأله طلاق میتواند به گسترش آسیبهای اجتماعی دیگر نیز منجر شود، بر این اساس تغییرات خانواده در جامعه امروز ایران، نگرانیهایی را برای کارشناسان این حوزه بوجود آورده است (۱۸). بنابراین، تحقیق در باب طلاق میتواند با کشف و تعمیق شناخت پدیده مورد بحث، زمینه شناخت علمی و گسترده آن را فراهم کند (۱۹). جامعه پذیری سنتی یا مدرن جنسیتی زنان و مردان، دو الگوی متفاوت از روابط خانوادگی و اجتماعی را تولید و بازتولید می کنند و بر روابط زوجین تأثیر می گذارد که حفظ کلیت خانواده نیز از آن متأثر می شود. پژوهش حاضر، درصدد است تا تأثیر نابرابری جنسیتی نهادینه شده در زنان را بر طلاق (عاطفی و قانونی) آنها در شهر بندرعباس مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری

تعریف طلاق

بطور کلی، طلاقها را میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- طلاق آشکار: به طلاقی گفته میشود که زوجین با مراجعه به دادگاه به طور رسمی از یکدیگر جدا شده و سند ازدواج خود را باطل کرده باشند. به این نوع طلاق، «طلاق رسمی» یا «طلاق قانونی» نیز گفته میشود.

۲- طلاق پنهان: طلاقهایی هستند که از همه نظر ویژگیهای طلاقهای نوع اول را دارند، ولی به دلیل وجود موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و قانونی خاص، آشکار نمیشوند. در واقع اینگونه طلاقها بدون ابطال ازدواج اتفاق میافتند. در این نوع طلاق، زوجین فقط زیر یک سقف زندگی میکنند، در حالیکه سایر ارتباطهای بین آنها یا کاملاً قطع شده و یا بدون میل و رضایت است. زوجین ممکن است سالها زیر یک سقف با حداقل ارتباط (حتی ارتباط های کلامی)، در کنار هم زندگی کنند، به این نوع طلاق، «طلاق خاموش» یا «طلاق عاطفی» نیز گفته میشود (۲۰).

متعارف تعامل اعضا، خانواده، بویژه زوجین دست خوش تغییر می شود و خانواده را با مسائل جدیدی از جمله تضاد منافع فردی و جمعی، روبهرو می سازد که غلبه بر این موارد، تغییر الگوهای ذهنی و بازنگری در شیوه های رفتاری و برابری جنسیتی در روابط اعضا، خانواده را میطلبد (۹).

از نگاه صندوق جمعیت سازمان ملل، برابری جنسیتی زمانی حاصل میشود که مردان و زنان در توزیع قدرت و اثرگذاری در معادلات آن سهمی برابر داشته باشند؛ از فرصت های برابر و استقلال مالی از طریق کار و تجارت برخوردار شده باشند؛ دسترسی مشابهی به آموزش، فرصتهای پیشرفت و شکوفایی استعدادها داشته باشند و مسئولیتخانه و فرزندان به طور مشترک میان مرد و زن تقسیم شده باشد (۱۱).

شکلهای گوناگونی از نابرابریهای جنسیتی در سطح جهان دیده میشود و وضعیت نابسامان بهداشت، تغذیه، آموزش و آگاهی و اشتغال از جمله مصادیق آن هستند (۱۲). در طول تاریخ، شرایط بیولوژیکی، طبیعی و اجتماعی، وضعیت را به شکلی رقم زدهاند که زنان را محدود، فرمانبردار و مقید کردهاند؛ به گونهای که علیرغم تلاشهای صورت گرفته در دهه های اخیر، هنوز هم بخش اعظمی از زنان دنیا شاهد تغییرات اندکی در وضعیت خود هستند. مهمترین عاملی که زنان را از پیشرفت بازداشته، دیدگاهها و ایستارهایی است که در بطن جامعه شکل گرفته است؛ ایستارهایی که بدون تغییر در آنها، هرگونه تلاشی از سوی نهضت ها و جنبش های زنان، بی نتیجه خواهد ماند. این ایستارها به صورت کلیشه هایی در جامعه رسوخ کرده و مانع بزرگی در تغییر وضعیت زنان هستند (۱۳).

امروزه با تغییر ارزش های خانوادگی، بسیاری از زنان تأکید دارند که نبایستی بدون چارچوب بندی دقیق مرزهای تمایز گذار، به عرصه زندگی مشترک گام بگذارند؛ زیرا معتقدند، استقلال اقتصادی و قدرت دستیابی به خودکفایی در تأمین معاش، سبب ساز استقلال فکری و مشی ناوابسته در عرصه زندگی شده و در نتیجه، داشتن این نوع استقلال برای بسیاری از زنان تبدیل به ارزش و یا حتی هدف شده است. بنابراین با ورود زنان به اجتماع و مشارکت در تصمیم گیری های مختلف و اقتصاد خانواده، الگوهای سنتی روابط بین دو جنس در خانواده تحت تأثیر قرار گرفت (۱۴).

مجموع تحولات و دگرگونی های ناشی از فرایند مدرنیته، به مرور زمان بر تمامی ابعاد و زوایای ساختی - کارکردی خانواده و بویژه بر سرمایه اجتماعی آن تأثیر گذاشته است که بپتدید از هم پاشیدگی نهاد خانواده و مسأله طلاق از جمله آن میباشد (۲). افزایش تأمل برانگیز آمار طلاق می تواند، گویای این واقعیت باشد. آمارهای ارایه شده نشان می دهد که درصد تغییرات ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۳۷/۶ درصد تغییرات منفی داشته است؛ این در حالی است که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده اند. همچنین بر اساس آخرین اطلاعات موجود از طریق داده های سازمان ثبت احوال کشور در ۹ ماهه سال ۱۳۹۸، ۴۲۶ هزار و ۹۹ واقعه ازدواج و ۱۳۲ هزار ۶۱۸ واقعه طلاق به ثبت رسیده و بر پایه داده ها، متوسط عمر ازدواجهایی که به طلاق منجر شده اند ۹ سال بوده است (۱۴). در شرایط فعلی نسبت طلاق به ازدواج ۳۳ درصد می باشد، یعنی در نظام ثبت احوال، نسبت طلاق های ثبت شده

نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که براساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوارشردن و کلیشه‌بندی آنان می‌پردازد (۲۱) و نشان‌دهنده یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به فرصتها و امکاناتی مانند امکانات آموزشی است (۲۲). همچنین پیشداوری، ایدئولوژی و نگرشهایی است که زنان را فرودست و کم ارزشتر از مردان و مردان را مسلط بر زنان میدانند. گرایشی که برای تکریم یک جنس به تحقیر جنس دیگر می‌پردازد (۲۳). نابرابری جنسیتی یعنی نابرابری زن و مرد در داشتن امکانات موجود (۲۴)

پژوهش حاضر با توجه به مبانی نظری و تعارف مربوط به نابرابری جنسیتی، آنها را در سه دسته نابرابری در حوزه تقسیم کار اجتماعی، نابرابری های فرهنگی و نابرابری های فردی تقسیم کرده است. همچنین دیدگاه زنان در رابطه با نابرابری جنسیتی را در دو نوع سنتی و مدرن از هم تفکیک می کند. در این راستا، افرادی که نابرابری جنسیتی موجود را به عنوان سیستمی عام و جهانی، غیر شخصی، زیستی- طبیعی و ضرورتی کارکردی و تقریباً غیرقابل تغییر، درک و درونی کرده اند را در دسته کسانی جای می دهد که دیدگاه سنتی دارند و کسانی که نابرابری جنسیتی موجود را به عنوان سیستمی خاص، محلی یا جهانی (لزوماً جهانی نیست)، فرهنگی - ساختی، ضرورتی تاریخی و قابل تغییر بیندارند، در دسته افرادی جای می دهد که دیدگاه مدرن دارند.

پیشینه تحقیق

پروینیان (۲۵) پژوهشی را با عنوان «بررسی ایراد ضرب و جرح عمدی زنان توسط همسر و نقش آن در طلاق» انجام داد و به این نتیجه رسید که تبعیض و نابرابری جنسیتی در خانواده و جامعه به ضرر زنان و با افزایش شدت خشونت از سوی همسر، همراه می باشد اما محرکی برای زنان جهت ارائه دادخواست طلاق به دادگاه نمی باشد. طاهری بنچاری و همکارانش (۲۶) در پژوهشی با موضوع «واکاو پدیده طلاق، ریشه ها و پیامدها در شهر تهران»، دریافتند که ناهمسویی در خلیقات، ذوقیات و سلاقت، پایگاه اقتصادی اجتماعی زن، آگاهی زن از وضع نامطلوب موجود، ادب، شوهر غیر اجتماعی و غیر معاشرتی و بی تحرک مهمترین عامل طلاق عاطفی و قانونی در بین زنان است. شکر بیگی (۲۷) تحقیقی را با عنوان «بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن در بین زنان شهر بوکان و میاندآب» به فرجام رساند و به این نتیجه رسید که جامعه پذیری جنسیتی در شیوه نگرش، باورها و ایدئولوژی های فرد در خانواده و در نتیجه شیوه زندگی آنها بسیار تأثیر گذار است، بنابراین لازم است نابرابری جنسیتی در خانواده کاهش یابد. نوائی نژاد و همکارانش (۲۸) در پژوهشی با عنوان «معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه» به این نتیجه رسیدند که با توجه به پیامدهای طلاق، زنان این پدیده را بیشتر منفی معنا کردند. بنابراین، طلاق متأثر از جنسیت و شرایط اجتماعی- فرهنگی فرد می باشد. علی مندگاری (۲۹) پژوهشی را با عنوان «فهم چگونگی اثرگذاری بسترهای اقتصادی بر تصمیمگیری زوجین برای طلاق» انجام داد و به این نتیجه دست یافت که بیکاری و اشتغال ناپایدار و کسب درآمد از مسیرهای نادرست، وابستگی

مالی به خانوادهها، شرایط بد اقتصادی جامعه و فشار مضاعف بر منابع درآمدی خانواده و مدیریت نامناسب منابع مالی خانواده با تعاملات کمتر زوجین درون زندگی مشترک و افزایش اختلافات و تضادهای فکری و رفتاری زوجین همراه می شود که نهایتاً به طلاق می انجامد. هوگندورن و همکارانش (۳۰) در پژوهشی با عنوان «طلاق و اختلاف نرخ های فقر: یک رویکرد خطر- آسیب پذیری» به این نتیجه رسید که طلاق یک نتیجه اصلی برای نابرابری های انباشتی در طول مسیر زندگی است. ویگنولی و همکارانش (۳۱) تحقیقی را با عنوان «تأثیر مثبت استخدام زنان بر روی طلاق: بافت، انتخاب، یا پیش نگر» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که استخدام زنان در کشورهای که خانواده ها و زنان و مادران مجرد حمایت مالی نمی شوند و دسترسی سریعی به طلاق ندارند، بنابراین باید در بازار کار به دنبال کار باشند، باعث تسهیل بخشی جدایی زناشویی می شود؛ اما استخدام زنان در کشورهایی که دسترسی سریعتر به طلاق دارند و خانواده ها و زنان و مادران مجرد حمایت مالی زیادی می شوند و زنان انگیزه چندانی برای حضور در بازار کار ندارند، با طلاق ارتباطی ندارد. داویلا (۳۲) در پژوهشی با عنوان «نابرابری درآمد زن و مرد و تصمیم های طلاق» به این نتیجه رسید که افت ۱ درصد در شکاف درآمدها باعث افزایش ۲ درصدی در نرخ طلاق می شود و افزایش در نرخ های طلاق تا اندازه ای با افزایش تعداد طلاق های ثبت شده توسط زنان شاغل به دلیل ترک و رها سازی و فقدان حمایت مالی از جانب مرد، تبیین می شود. گرین وود و همکاران (۳۳)، پژوهشی را با عنوان «فناوری و تغییر خانواده: مدل یکپارچه ازدواج، طلاق، تحصیلات، و مشارکت نیروی کار زنان متاهل»، انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که طلاق بیشتر در بین افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی و افرادی که نابرابری در مشارکت نیروی کار و نتیجه درآمد را تجربه می کنند، افزایش یافته است. دواندر و همکاران (۳۴) تحقیقی را با عنوان «نقش های جنسیتی و ثبات خانوادگی: تأثیر نقش فعال پدر در ریسک طلاق در کشورهای شمال اروپا» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که افزایش اشتغال زنان، تقسیم جنسیتی در خانه را به چالش می کشد که در نهایت باعث ایجاد برابری بیشتر در خانواده و در نتیجه منجر به روابط پایدار تر می شود. کانو (۳۵) پژوهشی را با موضوع «طلاق و سرنوشت خانواده در دوره های مدرن مصر» انجام داد و به این نتیجه رسید که تلاش برای برابری جنسیتی و به دنبال آن تغییر افزایش سن قانونی ازدواج برای زنان به ۱۶ سال و برای مردان به ۱۸ سال و به رسمیت شناختن حق طلاق بدون توافق شوهر برای زنان میزان طلاق به ازدواج را افزایش داد.

چارچوب نظری

هر دو دیدگاه سنتی و مدرن، جامعه کنونی را دچار نابرابری جنسیتی در حوزه های مختلف می دانند؛ دیدگاه سنتی، وجود نابرابری جنسیتی را طبیعی، ضروری و لازمه اداره جامعه تلقی می کند، اما دیدگاه مدرن، ضمن مردود دانستن نگرش طبیعی و کارکردی به نابرابری، معتقد است، وضع موجود باید منطبق با تغییرات گسترده در سطوح دیگر تغییر کند. این دو دیدگاه، دلایل و منابع مختلفی را در جهت تبیین نابرابری جنسیتی ارائه می دهند و

دسته افرادی جای می دهد که به صورت مدرن یا سنتی جامعه پذیر شده اند.

با بررسی حیطه های عمده ای که محل ظهور و بروز نابرابری های جنسیتی در جامعه می باشد، نتایج متفاوتی را مترتب بر آن می دانند و با ارائه راهکاری، تلاش می کنند، حافظ نظم در جامعه باشند تا اکثریت اعضای جامعه از آن بهره مند گردند. پژوهش حاضر بر مبنای اینکه هر کدام از پاسخگویان چه دیدگاهی دارند، آنها را در

جدول (۱): خلاصه نظریات نابرابری جنسیتی

نظریات	خلاصه
فمینیستی	نوع سازماندهی جامعه و جامعه پذیری جنسیتی در جامعه عامل تولید و باز تولید نابرابری جنسیتی و سلطه مردان است.
زبان جنسیت زده	نحوه بکارگیری زبان به گونه ای غیرمستقیم عامل تثبیت و باز تولید ارزش های جنس گرایانه و اعمال قدرت می باشد.
تبارشناسی و دیرینه شناسی نابرابری جنسیتی	ایدئولوژی پدرسالاری و تمکین، عامل تولید و بازآفرینی نابرابری جنسیتی است.
قشربندی جنسیتی	توزیع و کنترل نابرابر منابع ارزشمند مادی و غیر مادی بین دو جنس و تفکیک حوزه عمومی و خصوصی در جامعه عامل نابرابری جنسیتی می باشد.
کنش اجتماعی	نهادینه سازی و مشروعیت دهی نابرابری جنسیتی در میادین مختلف با دورنی کردن عادت واره ها و کلیشه های جنسیتی در جامعه پذیری اتفاق می افتد.
افسانه فرودستی زنان	فرودستی زنان و همیشگی و طبیعی جلوه دادن آن، نتیجه یک سیستم اجتماعی نابرابر و نهادهای حمایت کننده آن است.

است که در پرسشنامه نابرابری جنسیتی، جهت گویه های مربوط به ابعاد سه گانه آن، به شکل سنتی تعیین شده است؛ بر این اساس به گزینه «کاملاً موافقم» در گویه ها بالاترین نمره تعلق گرفته و بقیه گزینه های این طیف بر این مبنای «زیاد به کم» نمره گذاری شده است؛ در نهایت پژوهش حاضر، با توجه به نمره ای که هر یک از پاسخگویان از پرسشنامه نابرابری جنسیتی گرفته اند، آنها را در دو گروه پاسخگویانی که دیدگاه سنتی و پاسخگویانی که دیدگاه مدرن به نابرابری جنسیتی شده اند، دسته بندی کرده است. با جمع کلیه گویه ها با یکدیگر کمترین نمره به دست آمده بین ۱۴ و حداکثر نمره بدست آمده ۷۰ می باشد. لذا حد وسط نمره ۴۲، خواهد بود. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۱۴ تا ۴۲ به دست بیاید، آزمودنی دارای دیدگاه مدرن است. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۴۲ تا ۷۰ به دست بیاید، آزمودنی دارای دیدگاه سنتی است.

منظور از نابرابری های جنسیتی مدرن و سنتی در این تحقیق نمره ای است که آزمودنی از گویه های مربوط به دیدگاه آنها در مورد مؤلفه های نابرابری های جنسیتی، دریافت می کند.

پرسشنامه طلاق عاطفی

پرسشنامه حاضر محقق ساخته و بر اساس نظریه های موجود در ۲۴ گویه و سه مؤلفه (نشانه های احساسی، نشانه های جسمانی و نشانه های کارکردی) تهیه گردید. این پرسشنامه نیز، به گزینه «کاملاً موافقم» در گویه ها بالاترین نمره تعلق گرفته و بقیه گزینه های این طیف بر این مبنای «زیاد به کم» نمره گذاری شده است؛

مواد و روش ها

پژوهش حاضر به روش توصیفی از نوع تبیینی- علی و از لحاظ هدف کاربردی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه ازدواج ها و طلاق های صورت گرفته در طی ۳۰ سال اخیر از سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۷ به تعداد ۱۱۵۱۶۲ نفر است که از سالنامه آماری سازمان برنامه و بودجه استان هرمزگان (۳۶) استخراج گردید. بر این اساس طی این ۳۰ سال تعداد ۹۶۲۳۷ ازدواج و تعداد ۱۸۹۲۵ طلاق در شهر بندرعباس اتفاق افتاده است. حجم نمونه آماری این پژوهش را ۱۷۸ نفر از زنان مطلقه و ۲۲۲ نفر از زنان غیر مطلقه دارای طلاق عاطفی تشکیل می دهد. این پژوهش برای ارزیابی فرضیات تحقیق و روابط میان متغیرها از ابزار پرسشنامه جهت گردآوری دادهها، بهره برده است که با توجه به مفاهیم مطرح شده در تئوریهای نابرابری جنسیتی، سه مؤلفه اصلی مشخص گردید. برای ابعاد نابرابری جنسیتی، ۱۴ گویه، برای متغیر طلاق عاطفی ۲۴ گویه و برای طلاق قانونی و متغیرهای زمینه ای ۵ سؤال ساخته شد.

پرسشنامه نابرابری جنسیتی

این پرسشنامه محقق ساخته، جهت سنجش دیدگاه زنان درباره نابرابری جنسیتی (در سه مؤلفه: تقسیم کار اجتماعی جنسیتی، نابرابری های فرهنگی، نابرابری های فردی)، از طیف لیکرت بهره برده و در آن، دیدگاه پاسخگویان در رابطه با هر کدام از گویه ها در قالب پنج گزینه (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدی قبول دارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) اندازه گیری شد؛ همچنین لازم به ذکر

زنان متأهل و مطلقه شهر بندرعباس به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند، که ۵۵/۵ درصد از پاسخگویان را زنان غیر مطلقه دارای طلاق عاطفی و ۴۵/۵ درصد از آنها را زنان مطلقه دارای طلاق قانونی تشکیل می دهند. نتایج حاصل از مشخصات سن، نشان داد که بیشتر پاسخ دهندگان در سن ۳۰ تا ۳۹ سال با حدود ۳۷/۸ درصد و کمترین تعداد پاسخگویان در سن بالای ۵۰ سال با حدود ۳/۸ درصد می باشند. در خصوص مدت زمان زندگی مشترک پاسخگویان مطلقه نیز، بیشترین درصد مربوط به مدت ۱ تا ۵ سال (۲۱/۲ درصد) و کمترین درصد مربوط به ۲۶ تا ۳۰ سال با (۹/۹ درصد) است. که نشان می دهد، تعداد زیادی از پاسخگویان، در ۵ سال اول زندگی مشترک، طلاق گرفته اند. همچنین فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات، نشان داد، پاسخگویان زیر دیپلم با ۳۴/۳ درصد بیشترین تعداد و پاسخگویان با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با ۳/۳ درصد، کمترین تعداد را به خود اختصاص دادند. در بررسی فراوانی پاسخگویان بر حسب شاغل یا بیکار بودن، نتایج حاکی از این است که ۷۰/۸ درصد از پاسخگویان بیکار و ۲۹/۳ درصد از آنها شاغل هستند. همچنین، ۴۷/۱ درصد از پاسخگویان بین ۱ تا ۲ فرزند و ۱/۳ درصد از آنها بیشتر از ۶ فرزند دارند.

فرضیه: نوع نابرابری جنسیتی درونی شده در زنان بر نوع طلاق آنها در شهر بندرعباس تأثیر دارد.
در ابتدا برای سنجش رابطه بین نابرابری جنسیتی و طلاق از آزمون اسپیرمن، استفاده شده است. جدول (۲) نشان می دهد با توجه به سطح معنی داری بدست آمده (۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۱)، نابرابری جنسیتی به میزان «۰/۲۲۸» با طلاق رابطه دارد و جهت این رابطه نیز مستقیم و مثبت است.

جدول (۲): آزمون اسپیرمن، جهت سنجش رابطه بین نابرابری جنسیتی و طلاق

متغیر	جامعه پذیری جنسیتی
ضریب همبستگی	۰/۲۲۸**
سطح معنی داری	۰/۰۰۰
تعداد	۴۰۰

** معنی داری در سطح ۰/۰۱.

جنسیتی درونی شده ۲۰۰ نفر از پاسخگویان سنتی و نوع نابرابری جنسیتی درونی شده ۲۰۰ نفر از آنها مدرن می باشد.

در نهایت پژوهش حاضر، با توجه به نمره ای که هر یک از پاسخگویان از پرسشنامه طلاق عاطفی گرفته اند، آنها را در دو گروه پاسخگویانی که طلاق عاطفی دارند و پاسخگویانی که طلاق عاطفی ندارند، دسته بندی کرده است. با جمع کلیه گویه ها با یکدیگر کمترین نمره به دست آمده بین ۲۴ و حداکثر نمره بدست آمده ۱۲۰ می باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۲۴ تا ۵۶ به دست بیاید، آزمودنی دارای طلاق عاطفی کم می باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۵۶ تا ۸۸ به دست بیاید، آزمودنی دارای طلاق عاطفی متوسط می باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۸۸ تا ۱۲۰ به دست بیاید، آزمودنی دارای طلاق عاطفی شدید می باشد.

منظور از طلاق عاطفی در این تحقیق نمره ای است که آزمودنی از گویه های طلاق عاطفی پرسشنامه محقق ساخته، دریافت می کند.

روایی و پایایی پرسشنامه ها

پایایی سوالات نابرابری جنسیتی و طلاق عاطفی با استفاده از آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای نابرابری جنسیتی ۰/۸۷۳ و برای طلاق عاطفی، ۰/۹۵۱ می باشد. همچنین جهت تعیین اعتبار، پرسشنامه در اختیار چندین متخصص و صاحب نظر از جمله استاد راهنما و استاد مشاور این پژوهش قرار گرفت و نظرات آنها اعمال شد.

در این پژوهش جهت یافته های توصیفی و تبیینی، از نرم افزار اس پی اس اس (SPSS^۱) نسخه ۲۴ استفاده شده است.

یافته ها

به منظور آشنایی بیشتر با ماهیت متغیرهای پژوهش و تشخیص الگوهای حاکم بر داده ها، ابتدا به بررسی نتایج به دست آمده از آماره های توصیفی می پردازیم. بر این اساس، تعداد ۴۰۰ نفر از کلیه

همچنین جهت آزمون این فرضیه از رگرسیون لجستیک استفاده شد. جدول (۳) کدگذاری مجدد متغیر مستقل طبقه ای نابرابری جنسیتی را نشان می دهد. مطابق جدول زیر، نوع نابرابری

جدول (۳): کدگذاری مجدد متغیر مستقل

نوع نابرابری جنسیتی	سنتی	فراوانی	کدگذاری پارامتر
			(۱)
نوع نابرابری جنسیتی نهادینه شده	مدرن	۲۰۰	۰
	سنتی	۲۰۰	۱

^۱ - Statistical Package for Social Science

تا چه اندازه قدرت تبیین و کارایی دارد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون اوم نی بوس، برازش مدل قابل قبول و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است.

ارزیابی کل مدل نتایج آزمون اوم نی بوس^۱، ارزیابی کل مدل رگرسیونی لجستیک را نشان می دهد. این آزمون به بررسی این موضوع می پردازد که مدل

جدول (۴) آزمون اوم نی بوس

	Chi-square	Df	Sig.
گام اول	۲۱/۶۲۵	1	۰/۰۰۰
گام اول	۲۱/۶۲۵	1	۰/۰۰۰
گام اول	۲۱/۶۲۵	1	۰/۰۰۰

و «۰/۰۵۳» بوده و این نشان می دهد که این متغیر توانسته است بین ۵/۳ تا ۷ درصد از تغییر طلاق را تبیین کند.

این جدول نتایج مربوط به دو آماره لگاریتم درست نمایی^۲ و ضریب تعیین پزودو^۳ (شامل ضریب تعیین کاکس و نل^۴ و ضریب تعیین نیجل کرک^۵) را نشان می دهد. همانطور که در جدول زیر ملاحظه می شود، مقادیر دو آماره مربوط به ضریب تعیین پزودو «۰/۰۷۰»

جدول (۵): آماره لگاریتم درست نمایی و ضریب تعیین پزودو

گام	-2 Log likelihood	Cox & Snell R Square	Nagelkerke R Square
1	۵۲۸/۰۴۳	۰/۰۵۳	۰/۰۷۰

باشد، احتمال طلاق عاطفی آن به اندازه ۲/۵۸۴ و یا بیش از دو و نیم برابر افزایش می یابد (یعنی ۵۸/۴ درصد). بنابراین متغیر نوع نابرابری جنسیتی درونی شده به صورت مستقیم و مثبت قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته طلاق می باشد. یعنی هر چه نابرابری جنسیتی درونی شده پاسخگو سنتی تر باشد، احتمال وقوع طلاق عاطفی در وی بیشتر و احتمال وقوع طلاق قانونی در وی کمتر است.

نتایج جدول (۶) نشان می دهد، متغیر مستقل وارد شده در تحلیل رگرسیونی (نابرابری جنسیتی درونی شده)، قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته (طلاق قانونی یا طلاق عاطفی)، می باشد و توانایی پیش بینی آن در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است. بر اساس نتایج به دست آمده، نسبت بخت ها برای متغیر نوع نابرابری جنسیتی درونی شده پاسخگو برابر با ۲/۵۸۴ است که نشان می دهد هر مقدار نابرابری جنسیتی درونی شده پاسخگو سنتی تر

جدول (۶): متغیرهای معادله^۶

	B	S.E.	Wald	Df	Sig.	Exp(B)
گام اول	۰/۹۴۹	۰/۲۰۷	۲۱/۰۰۵	۱	۰/۰۰۰	۲/۵۸۴
گام اول	-۰/۲۴۱	۰/۱۴۲	۲/۸۶۶	۱	۰/۰۹۰	۰/۷۸۶

علیه زنان در خانواده و آسیب دیدن روابط عاطفی زوجین، شکریگی (۲۷) مبنی بر تأثیر وجود نابرابری جنسیتی در خانواده بر عدم ثبات زندگی زناشویی و تأثیر کاهش نابرابری جنسیتی بر داشتن خانواده ای سالم تر، نوائی نژاد و همکارانش (۲۸)، مبنی بر مبنی بر افزایش طلاق از سوی زنان به دلیل نابرابری جنسیتی اجتماعی و فرهنگی، علی مندگاری (۲۹)، مبنی بر رابطه نابرابری های جنسیتی سنتی در تقسیم کار و نابرابری های فردی با طلاق عاطفی و قانونی، هوگندورن و همکارانش (۳۰) مبنی بر افزایش میزان طلاق با افزایش نابرابری جنسیتی در فقر، ویگنولی و همکارانش (۳۱)، مبنی بر رابطه بین کاهش نابرابری جنسیتی در جوامع سنتی تر با کاهش طلاق و عدم رابطه با آن در جوامع مدرن

نتیجه گیری

این پژوهش که با هدف سنجش تأثیر نوع نابرابری جنسیتی درونی شده در زنان بر نوع طلاق (زنان مطلقه و غیر مطلقه دارای طلاق عاطفی شهر بندر عباس) انجام پذیرفت، نتایج آن نشان داد که نابرابری جنسیتی به طور معنی داری (۰/۰۰۰)، طلاق را پیش بینی می کند. جهت این تأثیر مثبت و مستقیم است که نتایج نشان می دهد، با افزایش گرایش به سمت نابرابری جنسیتی سنتی، طلاق عاطفی افزایش می یابد. نتیجه به دست آمده از این فرضیه با یافته های تحقیقات طاهری بنچاری و همکاران (۲۶)، مبنی رابطه بین نابرابری جنسیتی با طلاق عاطفی و قانونی، پروینیان (۲۴) مبنی بر تأثیر تبعیض و نابرابری جنسیتی در جامعه و خانواده بر خشونت

4 - Cox & Snell R Square
5 - Nagelkerke R Square
6 - Variabels in Equation

1 - Omnibus Test
2 - Log-Likelihood
3 - Pseudo R-square

بنابراین، پایداری نهاد خانواده نیز از نابرابری های جنسیتی موجود در جامعه متأثر شد؛ چراکه نگرش و آگاهی زنان، در رابطه با حقوق برابر جنسیتی، با در اختیار داشتن فرصت تحصیل و افزایش مشارکت سیاسی و اقتصادی، تحت تأثیر قرار گرفت و بسیاری از آنها ارزش های جنسیتی برابری خواهانه را در خود درونی کرده و وارد زندگی مشترک شدند. همچنین برخی از اعضای جامعه که مدل زن خانه دار، کدبانو و مطیع و مرد نان آور و مسلط را پذیرفته بودند، دچار تشکیک شده و درصدد بهبود جایگاه خود در اجتماع و خانواده، برآمدند.

در فضایی که خرد زنانه، فرصت های جدیدی را برای بازاندیشی در نابرابری های جنسیتی تاریخی به وسیله دسترسی به تمامی عرصه های اجتماعی فراهم آورده است، امکان بازسازی تمدن بر پایه ضمیر ناخودآگاه و از طریق اصلاح فرایند جامعه پذیری جنسیتی وجود دارد. اما در ایران امروز، عملکرد متفاوت و گاهاً ناهماهنگ عوامل جامعه پذیری (خانواده، همسالان، مدرسه و رسانه)، منجر به بروز اختلال و یا تغییراتی در روند جامعه پذیری اعضا شده است که حداقل دو نوع جامعه پذیری جنسیتی سنتی و مدرن در آن قابل تشخیص می باشد؛ نوع جامعه پذیری فرد بر کنش های وی تأثیر غیرقابل انکاری دارد. به عبارتی دیگر، نوع کنش فرد در مواجهه با مسائل مختلف، بسته به نوع جامعه پذیری وی متفاوت است.

برخی از زنان مدرنی که بر پیگیری اهداف و خواسته های فردی پافشاری می کنند، در صورت وجود تضاد و تنش در زندگی مشترک و بازماندن از اهداف فردی، به زندگی زناشویی خود پایان داده و رسماً طلاق می گیرند تا بتوانند به اهداف شخصی و آن سبک از زندگی مساوات طلبانه مدنظرشان برسند؛ اما زنان سنتی در مقابل نابرابری ها، صورانه تر عمل کرده و بیشتر خود را قربانی جامعه و به ویژه سعادت فرزندانشان می کنند و در صورتی که از نابرابری های جنسیتی رنج ببرند، بیشتر درگیر طلاق عاطفی می شوند. این دسته از زنان به ویژه در مقایسه وضعیت خود با زنان مدرن، این حس را تجربه می کنند.

بنابراین هر قدر جامعه عدالت محورتر باشد و به سمت برابری جنسیتی بیشتری گام بردارد و تمامی نهادهای اجتماعی نیز به این مهم توجه کنند، درصد بیشتری از زوجین احساس خوشبختی کرده و از زندگی خود لذت می برند. نابرابری در ارزش ها، قوانین، اقتصاد، سیاست، حقوق فردی و شاخص های فرهنگی، خانواده را به سمت ناپایداری سوق می دهد، چرا که خانواده امروزی به حمایت نهادهای حکومتی و نهادهای بنیادین دیگر نیاز دارد تا برابری را از ذهن اعضای خود و طی فرایند جامعه پذیری شروع کند. در صورت تحقق این شرایط، خانواده می تواند نقش بهتر و مؤثرتری را در جامعه ایفا کند و اعضا نیز از آن منتفع شوند؛ که این مهم، با رفع کلیه وجوه و صور تبعیض جنسیتی اعم از آموزشی، بهداشتی و شغلی می تواند تحقق پذیرد.

تر، گرین وود و همکارانش (۳۳) مبنی بر رابطه بین نابرابری جنسیتی در درآمد و اشتغال و تحصیلات با طلاق، دواندر و همکاران (۳۴) مبنی بر کاهش طلاق و افزایش ثبات زندگی زناشویی با کاهش نابرابری جنسیتی در خانواده و کانو (۳۵)، مبنی بر افزایش طلاق با تسهیل قوانین ازدواج و طلاق، همسو و با نتیجه تحقیقات پروینیان (۲۵)، مبنی بر عدم وجود رابطه بین خشونت های ناشی از تبعیض و نابرابری جنسیتی، بر اقدام عملی زوجین به طلاق، داویلا (۳۲) مبنی بر افزایش نرخ طلاق با کاهش شکاف درآمدی زن و مرد، ناهمسوی می باشد. ناهمسویی نتیجه پژوهش حاضر با تحقیق پروینیان (۲۵)، به این دلیل است که نتیجه پژوهش حاضر نشان می دهد بین نابرابری جنسیتی و طلاق عاطفی و اقدام عملی با طلاق رابطه وجود دارد و بسته به آگاهی زنان و حساسیت آنها در این ارتباط و شرایط فرهنگی حاکم بر آن جامعه، به سمت طلاق عاطفی یا طلاق قانونی می روند. نکته قابل تأمل در این ارتباط تفاوت جامعه آماری این دو پژوهش می باشد. استان هرمزگان در بین پنج استان اولی قرار دارد که خشونت بر علیه زنان در خانواده در آن بالاست و خشونت های ناشی از نابرابری جنسیتی یکی از مهمترین دلایل طلاق در این استان محسوب می شود. همچنین دلیل ناهمسویی تحقیق حاضر با تحقیق داویلا (۳۲) مبنی بر افزایش طلاق با کاهش شکاف درآمدی زوجین (شانه خالی کردن مردان از زیر بار هزینه برای خانواده)، به دلیل تفاوت در مسائل فرهنگی دو جامعه می باشد. با توجه به اینکه زنان استان هرمزگان از دیرباز پا به پای مردان مشغول کار بودند و هدف از کسب درآمد، افزایش سطح رفاه خانواده و تأمین هزینه های خانواده بوده است، بنابراین هزینه شدن درآمد زنان برای خانواده حتی در صورت شاغل بودن مردان، کمتر زنان را به سوی طلاق می کشاند.

حقوق جنسیتی در جامعه ای به رسمیت شناخته می شود که تکثیر جایگاه ها در متون اجتماعی، نهادینه شده باشد و همچنین این حقوق متضمن تحقق شرایط بی سالی در کلیه خرده نظام های اجتماعی است و نمی توان انقیاد یا آزادی جنسیتی را در فراسوی زندگی گروهی به تحلیل کشید. برابری و نابرابری جنسیتی از یک سو مربوط به اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می باشد و از سوی دیگر، نقش ها، تعلقات، هنجارها و ارزش های انسانی را تحت تأثیر می دهد. بنابراین نابرابری جنسیتی در همه عرصه ها و گروههای اجتماعی با هم در ارتباط می باشد و بر هم تأثیر گذار هستند.

در ایران از آغاز ورود مدرنیته، گام هایی در جهت تحقق حقوق جنسیتی در همه عرصه ها برداشته شد. بر این اساس، تأثیرپذیری نهاد خانواده ایرانی از تحولات بیرونی، وارد مرحله جدیدی شد. از یک سو، نهاد حکومت به سمت برقراری برابری جنسیتی در جامعه، گام برداشته بود و از سوی دیگر، زنان نیز، برابری در همه عرصه های زندگی اجتماعی را بیش از پیش طلب کردند. بطور کلی، گسترش دیدگاه های برابری خواهانه جنسیتی، در جهان، موجب حضور زنان در عرصه های عمومی، بدون زیرساخت های لازم بود و لذا در نظام های مرد - پدرسالار، مسأله ساز شد و موجبات ستیز مردان و زنان را فراهم آورد.

- inequality index in the world". November 12. www.weforum.org
12. Ahmadi, V, Changing attitudes towards gender inequality during the demographic transition process, *Applied Sociology*, 2012, Year 24, Number 3.
13. Enayat, H, Rozbahani, M Investigation of socio-cultural factors related to gender inequality among girls aged 18 to 59 in Tehran, *Azad University Social Sciences*, 2102, 7th year, number 9:85-121
14. Hosseinian, Simin. K, A and Amini, M , A comparative study of the factors affecting the power structure among the families of working and non-working women, in the book *Strategic Thoughts of Women and the Family*, 2011. Volume II, Tehran: Payam Adalat Publications.
14. Sobheno newspaper, 2018, The highest number of divorces and marriages in the last 50 years. January 8. News code: 852/7/34387. Page 7: <http://sobheno.ir/newspaper>.
15. Mashreq News, 2018, What is the ratio of marriage to divorce in the country?. January 7. News code: 1024174. <https://www.mashregnews.ir/news>.
16. Goldenberg, I and Goldenberg, H, *Family therapy*, translated by Hamidar Dahsin Shahi Bravati, Siamak Naqshbandi and Elham Arjamand, Tehran: Ravan, 2008.
17. Qudsi, A, *Inhibitors and Facilitators of Social Economic Factors of Divorce*, *Women's Strategic Studies*, 2019, No. 53.
18. Jokar, M. *Modernity, lifestyle changes and population decline in Iran*. *Islamic Research on Women and Family*, 2014. Spring and summer, number 17. Tehran: 39- 70.
19. Sadr al-Ashrafi, M, *Pathology of divorce (causes and factors) and ways to prevent it*, *Cultural Engineering Quarterly*, 2011, number 73-74: 25-48
20. Afrasiabi, H, *Backgrounds and ways of facing emotional divorce among women in Yazd city*. *Women in Development and*

References

1. Foladi, A and Shah Nemati, F, *Investigating the causes of divorce in East Azarbaijan Province- Tabriz*, *Cultural Research Society*, 2014, Sixth year, number 2.
2. Ishaghi, M. (2019). *Assessing the effective social factors of women's divorce requests in Tehran*. *Women in Policy Development Quarterly*, 2019. Period 10. Number 3:32-65
3. Reed, E. *Women's Liberation. Issues, analyzes and perspectives*, translated by Afshang Maqsoodi, Gol Azin Publishing House, Tehran, second edition, 2013.
4. Safiri, K and S Imanian, *Sociology of Gender*, Tehran: Sociologists Publications; 2008.
5. Koen, B, *Basics of Sociology*, translated by Gholam Abbas Tosali and Reza Fazel, Tehran, Samt, 21st edition, 2008.
6. Niakanifar, Mehdi (2008), "Gender and Development", *Research Journal on Women and Development*, Research Center for Strategic Research of Expediency Analysis Forum, No. 42, Autumn 2018, pages 229-274.
7. Vahida, F; Sabzeh, Hossein A and Zakari, H , *Analysis and qualitative investigation of factors affecting spousal homicide among women and men (case study of Isfahan prisoners)*. *Social Issues*, 2014. Volume 6, Number1: 193-214.
8. Marshall, B. *The Experience of Modernity*, translated by Murad Farhadpour: Tehran: New Design Publications, 2000.
9. Azam Azadeh, M. *Educational gender inequality in Darud Faraman district of Kermanshah*, *social psychological studies of women*, 2010. year 8, no. 2.
10. Ministry of Culture and Islamic Guidance, *Independent Identification*. Culture and research, 2013, Azar month 171.
11. United Nations, *World Economic Forum 2014*. "Annual report of gender

- Research, 2015, Article 6, Volume 7, Number 17.
30. Hogendoorn, Bram & Leopold, Thomas & Bol, Thijs, Divorce and Diverging Poverty Rates: A Risk-and-Vulnerability Approach. *Journal of Marriage and Family*, 2019. DOI: 10.1111/jomf.12629.
31. Vignoli, D & Matysiak, A & Marta S & Valentina T, The positive impact of women's employment on divorce: Context, selection, or anticipation, 2018. volume 38, 37,: 1059,1110
32. Davila, M, Alejandro E, Male-Female Earnings Inequality and Divorce Decisions. Conference of the Society of Economics of the Household, 2018. Mexico July 27.
33. Greenwood, J & Guner, N & Georgi, K, Cezar Santos. (2015) "Technology and the Changing Family: A Unified Model of Marriage, Divorce, Educational Attainment and Married Female Labor-Force Participation". 2015. *Forschungsinstitut zur Zukunft der Arbeit Institute for the Study of Labor*.
34. Duvander, Ann-Zofie & Lappegard, Trude & Mats Johansson, (2013) "Gender Roles and family stability: the influence of a more active father's role on divorce risk in the Nordic countries". 2013.
35. Cuno, M. K, Divorce and The Fate of the Family in Modern Century Egypt', *Family in the Middle East International Change in Egypt, Iran and Tunisia*, London: Routledge, 2004.
36. Statistical yearbook of Hormozgan (1368 to 1397). Program and Budget Organization, Statistics Department.
- Politics Qu. *Arterly*, 2015 Volume 14, Number 2: 22-56.
21. Shadlou, Shideh (2012), The role of culture in balancing gender attitudes in social life to empower women, collection of articles of women's empowerment conference, Tehran: Women's Participation Center.
22. Azam Azadeh, M, Arami, S. Examination of gender socialization and behavior in two social ways. *social-psychological studies*, 2015. Year 14, Number 1: 7-39.
23. Michel, A. Fight against gender discrimination, cleaning books, home, school and society, translation: Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Cheshme Publishing House: 1997
24. Sarukhani, B, An introduction to the encyclopedia of social sciences, Tehran, Kayhan Publications, third edition, first volume, 2008.
25. Parvinian, F, Assault and its role in women going to court and asking for divorce; A case study in the city of Qazvin, study of women's rights, 2017. third year . Number 11.
26. Taheri Benchari, R; Aghajani Morsaa, Hossein and Kandari, Alireza, Study of Divorce Phenomenon, Its Roots and Consequences in Tehran City 2017, *Social I I*: 2017, Volume 9, Number
27. Shekharbeigi, A. Investigation of gender inequality and related factors among women in Shahr-bukan and Miandab, *Women's Research Journal*, 2016, No. 21: 33-65.
28. Navai Nejad, g; Mohammadi, R; Karimi, Y; Fallah, E, The meaning of divorce from the point of view of a divorced person: a qualitative phenomenological study, *Scientific-Research Quarterly on Women and Society*, 2016, 8th year, 3rd issue, Autumn: 116-92.
29. Ali Mandgari, M, Economic platforms affecting couples' decision to divorce; A case study of Tehran city, *Women's*